



# تاریخ معاصر راوی خط سرخ شهادت

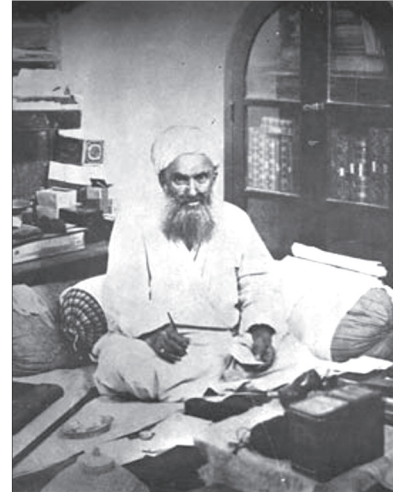
مروری بر عنصر شهادت طلبی در تاریخ معاصر

نورا چمران

اشاره:

امروز، وقتی که از بام تاریخ، به تاریخ پیشینیان می‌نگریم، وعده راستین الهی را تحقق یافته می‌بینیم که «خدای متعال می‌خواهد حق را با کلمات خویش استقرار دهد و دنباله کافران را ببرد تا حق را استقرار دهد و باطل را نابود کند هر چند گناهکاران را بد آید». شهیدان، با ظاهری در زمین و شریک در غفلت زمینیان می‌زیستند، ولی دیده بر باطن عالم و حقیقت دنیا گشوده بودند. شهادت، پایان غربت بشر و آغاز قربت انسان است. شهادت، پل پیوند زمین و آسمان است و شاهدان، غریبه‌هایی مظلوم در زمین هستند. ما این چنین در پیچ و خم قافیه گم شده ایم و آنها رفتند...

▼ آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری



▼ تظاهرات انقلاب اسلامی



▼ به آتش کشیدن اماکن مذهبی توسط حکومت شاهنشاهی



### درسی به نام شهادت

درس ماندگار عاشورا برای آیندگان این بود که تحقق آرمان‌های مقدس الهی به علت کثرت جبهه باطل و غبار غلیظ فتنه، کان‌لم‌یکن تلقی می‌شود، پس باید از جان مایه گذاشت تا به نصرت کلام حق در پس پرده باطل دست یافت و این همان مفهوم عمیق شهادت است. نگاهی به تاریخ انقلاب‌های اسلامی در عراق و ایران نشان می‌دهد، مبارزان و مجاهدان این نهضت‌های دینی با الهام از عاشورای امام حسین (ع) و بانصب‌العین قرار دادن فرهنگ شهادت از هیچ تهدید و مجازاتی هراس نداشتند و خدا را برای آن شهادت می‌دانستند که خود فخر و سعادت بزرگ بود.

### جهاد و شهادت سنی در برابر استعمار

مبارزات مسلمانان و علمای عراق که در آغاز قرن بیستم میلادی (۱۹۱۵ تا ۱۹۲۳) علیه قوای استعماری و به ویژه ارتش اشغالگر انگلیسی آغاز گردید و به قیام و انقلاب اسلامی در شهرهای مقدس نجف، کربلا، سامرا، کاظمین و کوفه منتهی شد، امروز در آغاز قرن بیست و یکم در بین‌النهرین تکرار می‌شود. رهبری علما و قیام مسلمانان در مقاومت و مبارزه با قوای اشغالگر نظامی آمریکا، امروز خاطرات شورش مردم عراق را علیه قوای نظامی انگلیس در جنگ جهانی اول و سال‌های پس از آن زنده می‌کند. با سقوط امپراتوری عثمانی که سال‌ها بر عراق تسلط داشت، انگلستان سعی کرد با حمله نظامی به آن کشور، سیاست استعماری خود را تحمیل کرده و یک رژیم سلطنتی مورد حمایت خود را که منافع استراتژیکی و انرژی لندن را تأمین سازد، در بغداد مستقر کند؛

ولی مردم مسلمان عراق به رهبری روحانیون حوزه علمیه عراق، علیه اشغالگران انگلیسی شوریدند و خواستار تشکیل یک نظام و دولت مستقل اسلامی در بین‌النهرین و عراق امروزی بودند.

مواضع انقلابی و ضد استعماری حوزه علمیه عراق که مراجع بزرگ تقلید در آن حضور

داشتند، بسیار چشمگیر بوده و در حقیقت همبستگی امت اسلامی و جهانشمولی این نهضت‌ها را نشان می‌دهد. مثلاً آیت‌الله العظمی سید محمد کاظم طباطبائی یزدی که پس از درگذشت میرزای شیرازی در ۱۳۱۲ هجری قمری به مرجعیت تامه رسید و بسیاری در ایران، عراق و هندوستان از او تقلید می‌کردند، در مجموع بیست فتوای جهاد بر ضد دول استعمارگر اروپایی صادر کرد. مؤلف و صاحب کتاب معروف فقهی «عروة الوثقی» در سال ۱۳۲۹ هجری قمری (۱۹۱۱ میلادی) زمانی که قوای انگلیس به جنوب و قوای روس به شمال ایران وارد شدند و دست به جنایت و کشتار آزادیخواهان زدند و نیز استعمارگران ایتالیایی به لیبی (از متصرفات عثمانی) حمله و آن را تسخیر کردند، وی فتوای جهاد بر ضد متجاوزان انگلیسی، روسی و ایتالیایی را از حوزه نجف صادر کرد. در سال ۱۳۳۲ هجری قمری (۱۹۱۴ میلادی) در آغاز جنگ جهانی اول، آیت‌الله العظمی یزدی پس از آنکه نیروهای انگلیسی به جنوب عراق حمله و بندر بصره را تصرف کردند، بر ضد آنها و دیگر متجاوزان اروپایی به سرزمین‌های اسلامی اعلام جهاد و فرزند خود سید محمد طباطبائی یزدی را به فرماندهی یکی از جبهه‌ها اعزام کرد که در یکی از نبردها به شهادت رسید.

یکی دیگر از فقهای بزرگ حوزه نجف، شیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی معروف به شیخ الشریعه است که پس از سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و مرحوم میرزا محمد تقی حائری شیرازی (معروف به میرزای دوم) به مرجعیت تامه مسلمانان و شیعیان رسید و مجموعاً هشت فتوای جهاد صادر کرد که در آن‌ها، مسلمانان سراسر جهان اسلام را به مقاومت در برابر استعمارگران و بیرون راندن آنها از سرزمین‌های اسلامی و طرد هرگونه حاکمیت سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی آنان فرا خواند. شریعت اصفهانی قریب به یک قرن پیش در این اعلامیه نظریات مربوط به تهاجم

**رمز پیروزی امت اسلام در صدر اسلام و در عصر کنونی نیز داشتن روحیه شهادت طلبی است. نمونه برجسته دیگر از ایثارگری‌ها و شهادت طلبی‌ها، دوران پرشکوه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مردم ایران است.**

اعتصاب بازار در اعتراض به رژیم شاهنشاهی



تظاهرات انقلاب اسلامی



آیت‌الله کاشانی



فرهنگی، امپریالیسم فرهنگی و سلطه‌گرایی جهانی را خلاصه می‌کند. او در جریان جنگ جهانی اول و اشغال عراق توسط قوای انگلیسی، فتوای جهاد بر ضد اشغالگران انگلیسی را صادر کرد و خود به همراه سایر علما، رهسپار جبهه‌های جنگ شد. وی در جبهه معروف قرنه در کنار مجاهدان و رزمندگان حضور فعال داشت و با مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی و مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی در مهاجرت اعتراض‌آمیز علما به کاظمین شرکت کرد.

در سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۱ هجری قمری در نجف، حضرات: آخوند ملاکاظم خراسانی، سیدمحمدکاظم طباطبائی یزدی، شریعت اصفهانی، محمدحسین نائینی غروی، فاضل شریبانی و شیخ هادی تهرانی حضور داشتند. در این زمان تمام فرد فرد علما و طلاب مجاهد و متفکر حوزه علمیه عراق تحت مراقبت روزانه مأموران و جاسوسان انگلیسی و خارجی بوده و کوشش عاملان سیاسی بیگانه، جلوگیری از وحدت مردم عراق و عشایر و علما و ترویج تفرقه‌افکنی به منظور شکست مبارزات مسلمانان بود. بسیاری از پیشوایان و مجاهدان روحانی که دهه‌های بعد در مبارزات ضد استعماری، رهبری مردم ایران و عراق را عهده‌دار شدند؛ مانند مرحوم آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی و مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و دیگران، در آن زمان در سنین سی سالگی بوده و در جبهه‌های مختلف جنگ علیه اشغالگران انگلیسی شرکت کرده بودند.<sup>۱</sup>

#### تاریخ معاصر به روایت خط سرخ شهادت

در صد سال اخیر، یعنی از اوایل سده چهاردهم هجری قمری تا زمان حاضر، نهضت‌ها، انقلاب‌ها، قیام‌ها و اقدام‌های متعددی توسط روحانیت شیعه انجام شده‌اند؛ از جمله نهضت تنباکو به رهبری میرزای شیرازی بزرگ. پس از آن، قیام مشروطیت و بعد از مشروطه، داستان شهید شیخ فضل‌الله نوری و پس از آن، انقلاب عراق که به رهبری روحانیت عراق و

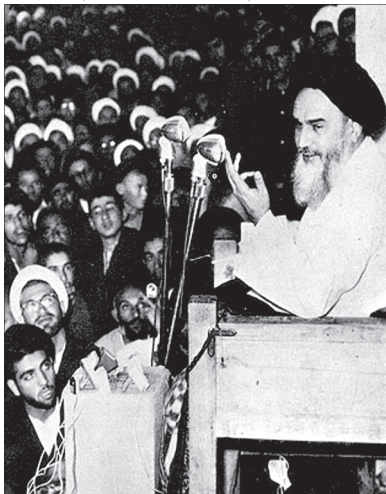
مرحوم میرزای شیرازی کوچک (مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی) انجام شد. بعد داستان مرحوم مدرس، قیام مرحوم خیابانی، قیام میرزا کوچک خان جنگلی و در سال‌های اخیر قیام آیت‌الله کاشانی و مسئله ملی شدن نفت و بعد داستان فداییان اسلام یعنی نواب صفوی و همفکرها و همراهانش و سپس انقلاب با عظمت امام خمینی (ره). اینها قیام‌ها و اقدام‌هایی هستند که توسط روحانیت ترتیب یافته و انجام و دنبال شده‌اند و همه مورخان معاصر، دخالت روحانیت را در این نهضت‌ها قبول دارند.

در جریان حکومت قاجار؛ انقلاب مشروطه، عهدنامه گلستان، قرارداد ۱۹۰۷، قرارداد ۱۹۱۹، نهضت تنباکو و نهضت جنگل واقع شده که در هر یک از این حوادث نیز شهادت طلبی‌ها و جان‌فشانی‌های فراوانی صورت گرفته است.

با شروع انقلاب مشروطه در سال ۱۹۰۶، رئیس‌علی در حالی که بیش از ۲۵ سال نداشت، از جمله پیشگامان مشروطه در جنوب ایران بود. وی در دوران دیکتاتوری محمدعلی‌شاه قاجار، علیه حکومت وی در جنوب دست به اسلحه برد و بوشهر را از سلطه عمال قاجار آزاد ساخت. در کشاکش جنگ، وقتی انگلیسی‌ها به دلیل وقوع انقلاب بلشویکی و خروج نظامیان روسی از ایران به سمت شمال تعرضات خود را گسترش دادند، تنگستانی‌ها به حملات خود علیه انگلیسی‌ها شدت بخشیدند. در یکی از این شبیخون‌ها، دو ژنرال

بلندپایه انگلیسی همراه با ده‌ها سرباز انگلیسی و هندی جان خود را از دست دادند و آنها در حمله شبانه، بوشهر را در سال ۱۳۳۳ ه. ق اشغال کردند. وقوع این حادثه منجر به قیام تنگستانی‌ها شد. رئیس‌علی و شیخ حسین چاه‌کوتاهی و زایر خضرخان اهرمی؛ سه نفر از معتمدین دلیر تنگستان تصمیم گرفتند که علیه دشمن قیام نموده و در مقام مدافعه از

**امام خمینی (ره) بر این عقیده بودند که ما بندگان خدا هستیم و در راه او حرکت و پیشروی می‌کنیم، اگر شهادت نصیب شد سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد، سعادت است و ملت‌تی که با فرهنگ شهادت طلبی آراسته شد، شکست‌ناپذیر است.**



وطن برآیند. در جریان یکی از این حملات، رئیس علی دلواری در سوم سپتامبر ۱۹۱۵ از پشت سر، هدف گلوله یکی از همراهان خائنش قرار گرفت و به شهادت رسید؛ اما نهضتی که او در جنوب ایران به راه انداخت، تا سال‌ها مایه وحشت انگلیسی‌ها بود.<sup>۲</sup>

پس از آنکه شیخ فضل‌الله نوری، جان خویش بر کف نهاد تا از انحراف پیش آمده در جریان مشروطیت جلوگیری کند، علما و مجاهدان دیگری از تبار تشیع، با گام نهادن در خط سرخ شهادت، حماسه‌ای دیگر را رقم زدند.

شیخ محمد خیابانی از جمله مبارزانی است که در سال‌های پایانی حکومت قاجار در نقاط مختلف کشور به مقابله با استعمار و استبداد پرداخت. یکی از پیمان‌های استعماری دربار لندن که موجب افزایش قابل ملاحظه سلطه سیاسی انگلیسی‌ها در ایران شد، پیمان موسوم به «قرارداد ۱۹۱۹» بود. به موجب این قرارداد که در مرداد ۱۲۹۸ با دولت وئوق‌الدوله منعقد شد، امتیاز راه‌آهن و راه‌های شوسه در سراسر کشور به انگلیس واگذار شد و ارتش و دستگاه مالیه ایران، زیر نظر مستشاران سیاسی و اقتصادی بریتانیا قرار گرفت. روحانیون مبارز از جمله شیخ محمد خیابانی و سیدحسن مدرس در جریان مخالفت‌ها و اعتراضات عمومی مردم علیه پیمان ۱۹۱۹، به وئوق‌الدوله که عاقد این پیمان بود، به شدت اعتراض کردند. او قرارداد ۱۹۱۹ را مضرّ به حال مملکت و ناقض حاکمیت ملی و استقلال ایران خواند و در تهران با وعظ، خطابه و نگارش مقاله، به تشریح ابعاد خطرناک این پیمان پرداخت. او برای واداشتن وئوق‌الدوله به لغو معاهده، در بهار ۱۲۹۹ ش.

به مبارزه مسلحانه روی آورد و در روزهای میانی فروردین همان سال، در برنامه‌ای از پیش طراحی شده، تمامی ادارات و مراکز دولتی تبریز را تصرف کرد. وی با گسترش این قیام به دیگر شهرهای آذربایجان، توانست این خطه را از حاکمیت دولت وئوق‌الدوله

**داعی که رحلت آقامصطفی بر دل‌های عاشقان امام نهاده بود، به انبار باروتی می‌مانست که با جرقه‌ای هر چند کوچک، انفجار مهیبی را باعث می‌شد و مقاله رشیدی مطلق در حکم این جرقه بود.**

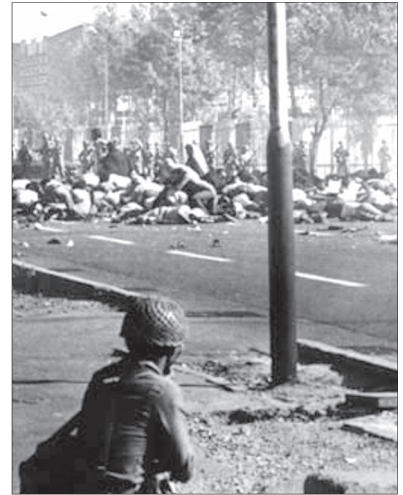
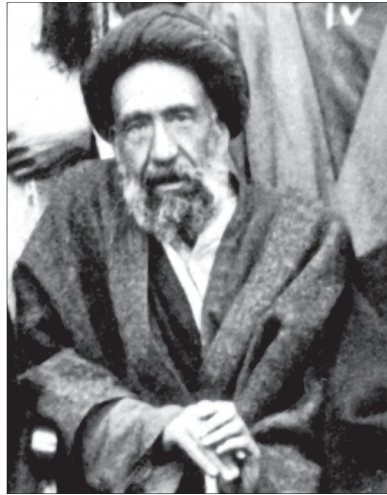
خارج سازد. در کشاکش قیام شیخ محمد خیابانی، دولت وئوق‌الدوله سقوط کرد و کابینه مشیرالدوله زمام امور را به دست گرفت. مخبرالسلطنه به دستور مشیرالدوله برای پایان دادن به قیام خیابانی، عملیات نظامی بزرگی علیه نیروهای وفادار به خیابانی به راه انداخت. در جریان این نبرد، نیروهای شیخ به شهادت

رسیدند و شیخ محمد خیابانی نیز در ۲۲ شهریور ۱۲۹۹ شهید شد. پس از شهادت شیخ محمد خیابانی و انقراض سلسله قاجار و روی کار آمدن حکومت وابسته پهلوی، بیشترین مبارزه و پایداری در برابر استبداد رضاخانی، از سوی مجاهد فی سبیل‌الله شهید آیت‌الله سید حسن مدرس صورت گرفت. این مجاهدت و مقاومت تا بدانجا ادامه یافت که رضاخان حضور او را برنتابید و او را به کاشمر تبعید و سپس در حال نماز به شهادت رساند. امام خمینی (ره) به مدرّس علاقه فراوانی داشت و درباره وی چنین فرمودند: «... در واقع شهید بزرگ ما مرحوم مدرّس که القاب برای او کوتاه و کوچک است، ستاره درخشانی بود بر تارک کشوری که از ظلم و جور رضاشاهی تاریک می‌نمود و تا کسی آن زمان را درک نکرده باشد، ارزش این شخصیت عالی مقام را نمی‌تواند درک کند.»<sup>۳</sup>

#### انقلاب اسلامی ایران؛ خونهای شهیدان

رضاخان، در آغاز حرکت قدرت طلبانه خود، برای فریب افکار عمومی، تظاهرات مذهبی برپا می‌کرد و پس از رسیدن به سلطنت، پیاده کردن سیاست‌های سکولار و ضد مذهبی خود را آغاز کرد. سیاست‌های او عمدتاً از غرب دیکته می‌شد؛ لذا در فرآیند اجرای این سیاست‌ها، به زودی با مخالفت و مقاومت عمومی مواجه گشت. ابتدا مردم فارس و آذربایجان به مقابله برخاستند و سپس مردم خراسان در قیامی بی‌نظیر؛ یعنی قیام مسجد گوهرشاد، پایه‌های به ظاهر مستحکم حکومت او را لرزاندند.

**در جریان حکومت قاجار؛ انقلاب مشروطه، عهدنامه گلستان، قرارداد ۱۹۰۷، قرارداد ۱۹۱۹، نهضت تنباکو و نهضت جنگل واقع شده که در هر یک از این حوادث نیز شهادت طلبی‌ها و جان فشان‌های فراوانی صورت گرفته است.**



کرده بود و قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، توطئه استعمار سرخ و سیاه معرفی شده بود. روزنامه رستاخیز نیز در همان روز، تظاهرات گروه قابل توجهی از زنان مشهد را در مخالفت با کشف حجاب «تظاهراتی از یک اتحاد نامقدس» نامید. داغی که رحلت آقامصطفی بر دل‌های عاشقان امام نهاده بود، به انبار باروتی می‌مانست که با جرقه‌ای هر چند کوچک، انفجار مهیبی را باعث می‌شد و مقاله رشیدی مطلق در حکم این جرقه بود، تا مجدداً تظاهرات گسترده‌ای علیه رژیم تدارک دیده شود. حوزه علمیه قم به دنبال درج مقاله در روزنامه اطلاعات، حالت غیرعادی به خود گرفت و طلاب با رفتن به منازل مراجع، اعتراض خود را به رژیم شاه اعلام داشتند و با پیوستن مردم قم به جمع طلاب، این اعتراضات تبدیل به قیام نوزدهم دی ماه شد.

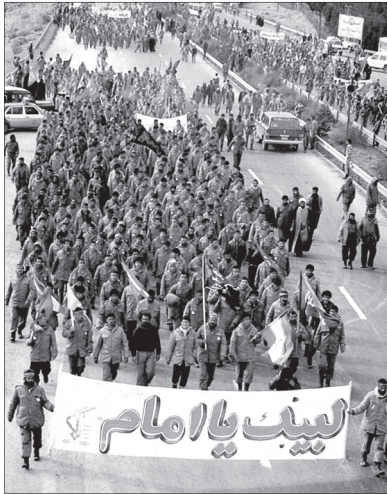
روز نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶، دروس حوزه و بازار تعطیل شد و بازاریان به صفوف طلاب که از چند روز پیش اجتماع کرده و شعارهایی علیه نظام می‌دادند، پیوستند و بدین‌سان موجی از اقشار مختلف مردم، زنان، کارگران، کسبه، دانشجویان و دانش‌آموزان در مقابل مدرسه خان و میدان آستانه و خیابان صفاییه در صبح و بعد از ظهر تجمع کردند و شهر قم، حالت روز عاشورا به خود گرفت. موج جمعیت در روزهای پیش از نوزدهم دی ماه و روز نوزدهم، به منزل مراجع می‌رفتند و با شنیدن سخنرانی مراجع، روحیه شهادت‌طلبی در آنها قوت بیشتری به خود می‌گرفت تا اینکه هنگام غروب روز دوشنبه نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶، جمعیت مورد حمله نیروهای امنیتی رژیم قرار گرفت. با شروع پیکار خونین، جمعیت به خاک و خون کشیده شدند، طوری که به شهادت آمار، حدود پانزده نفر از اقشار مردم، در آن روز به یاد ماندنی شهید و یا زخمی شدند. با قیام قم، آهنگ حرکت انقلاب به صورت «استراتژی چهل‌مها» ی پشت سر هم، با صورت و محتوای کاملاً اسلامی شتاب فزاینده و گسترده‌تری به خود گرفت و رهبری امام در این حرکت به عنوان نقش اصلی مبارزه با رژیم شاه ظاهر شد.<sup>۴</sup>

رزم پیروزی امت اسلام در صدر اسلام و در

در فاصله میان فاجعه مدرسه فیضیه و ماه محرم (۲ فروردین تا ۴ خرداد ۴۲) مبارزه امام اغلب در قالب صدور اعلامیه‌های متعدد بود. فرارسیدن ماه محرم، وضعیت را به یک رویارویی گسترده کشانید. ایام محرم بهترین موقع برای افشای جنایات رژیم و برنامه‌های ضد اسلامی شاه بود. به همین خاطر، امام خمینی (ره) در نشستی با مراجع و علمای قم، پیشنهاد کردند که در روز عاشورا هر یک از آنها برای مردم و عزاداران حسینی اعتراض کرده و از مظالم و جنایات رژیم پرده بردارند و خود ایشان نیز ساعت ۴ بعد از ظهر عاشورای ۴۲ که مصادف با ۱۳ خرداد آن سال بود، برای ایراد سخنرانی به طرف مدرسه فیضیه رهسپار شدند. سخنان افشاگرانه امام، شاه را نزد مردم تحقیر و رسوا کرد و دو روز بعد از سخنرانی امام، در سحرگاه ۱۵ خرداد امام را دستگیر کرده و بلافاصله به تهران آوردند. به دنبال انتشار خبر بازداشت امام، اعتراضات گسترده‌ای در قم، تهران، ورامین، مشهد و شیراز برگزار شد که با شعارهای ضد شاه و در طرفداری از امام همراه بود. مأموران نظامی که در نقاط مرکزی و حساس شهرهای قم و تهران مستقر بودند، به روی تظاهرکنندگان آتش گشودند. مردم نیز با چوب و سنگ به دفاع از خود برخاستند. تظاهرات در آن روز و دو روز بعد نیز ادامه یافت و هزاران نفر از مردم شهید و مجروح شدند. فجیع‌ترین حادثه، به شهادت رساندن دهقانان کفن‌پوش ورامینی بود که در پشتیبانی از امام راهی تهران شده بودند. مأموران نظامی در سر پل باقرآباد با آنها روبرو شده و با سلاح‌های سنگین آنها را شهید کردند.

روز شنبه هفدهم دی ماه ۱۳۵۶، روزنامه اطلاعات در قم پخش شد. در صفحه هفتم روزنامه، مقاله‌ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» با نام مستعار «احمد رشیدی مطلق» نظر خوانندگان را به سوی خود جلب کرد. نویسنده در آن مقاله، به طور صریح بی‌حجابی را فضیلت دانسته و حجاب؛ کهنه‌پرستی و ارتجاع سیاه معرفی شده و به امام خمینی، بزرگ مرجع عالم تشیع، اهانت

امام خمینی (ره) «... در واقع شهید بزرگ ما مرحوم مدرس که القاب برای او کوتاه و کوچک است، ستاره درخشانی بود بر تارک کشوری که از ظلم و جور رضاشاهی تاریک می‌نمود و تا کسی آن زمان را درک نکرده باشد، ارزش این شخصیت عالی مقام را نمی‌تواند درک کند.»



**روحیه شهادت طلبی در ایرانیان مسلمان  
سبب پدید آمدن قدرت رعب آور بسیج  
و نیرو و تفکر بسیجی شد که مبتنی  
بر تمام آموزه های اسلامی از جمله  
شهادت طلبی و رسیدن به پیروزی و  
شهادت است.**

**دفاع مقدس؛ جلوه بارز شهادت طلبی ها**  
دفاع مقدس یکی از بارزترین جلوه های  
شهادت طلبی و سند مقاومت و مظلومیت  
ایرانیان برای همیشه در خاطره تاریخ ثبت  
و ضبط است. دشمن تا دندان مسلح که با  
اتکای همه قدرت های استعماری جهان به  
انقلاب نوپای ما یورش برده و خاک پاک

ایران را مورد تجاوز قرار داده بود، برای محو ارزش های ملتی عزم  
جزم کرده بود که هنوز شیرینی انقلاب را در کام داشت. ملتی که  
فرزندان عزیز ی چون رجایی، باهنر، بهشتی و یاران، مطهری و... را  
به پای اسلام و انقلاب فدا کرده بود، نمی توانست به بیگانگان اجازه  
دست درازی دهد. روحیه شهادت طلبی در ایرانیان مسلمان سبب  
پدید آمدن قدرت رعب آور بسیج و نیرو و تفکر بسیجی شد که  
مبتنی بر تمام آموزه های اسلامی از جمله شهادت طلبی و رسیدن به  
پیروزی و شهادت است. اگر بتوان همچون روزهای نخست انقلاب  
و هشت سال دفاع مقدس این باور و روحیه را زنده و جاوید نگاه  
داشته و توسط آحاد جامعه آن را بسط و گسترش داد، هیچ گاه زبون  
و شکست خورده نخواهیم ماند.

آنچه که از ابتدای اسلام تاکنون در دل دشمنان وحشت ایجاد کرده است،  
روحیه ایثار و شهادت طلبی است؛ از این رو دشمنان تلاش می کنند تا به  
هر نحو ممکن، این روحیه را از ما بگیرند و یا آن را کم رنگ کنند، اما  
قدرتی که در پرتو ایمان و توکل به خدای مسلمان ایجاد می شود، چیزی  
نیست که به آسانی کم رنگ شده و یا از بین برود؛ مادامی که انسان به  
سرچشمه قدرت لایزال الهی متصل باشد، هیچ نیرویی نخواهد توانست  
او را به شکست و تسلیم بکشاند.

**پی نوشت ها:**

۱. قیام مردم عراق؛ حمید مولانا؛ روزنامه کیهان، ۱۳۸۳/۱/۲۷.
۲. قیام دلبران تنگستان علیه متجاوزین انگلیسی؛ خبرگزاری فارس.
۳. مدرس؛ بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی؛ ج ۲، ص ۲۷.
۴. قیام ۱۹ دی؛ بررسی علل، زمینه ها، چگونگی، بازتاب ها و نتایج؛ علی شیرخانی؛ سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۳، ص ۱۸۱ (۱۶ شهریور ۱۳۵۹).

عصر کنونی نیز داشتن روحیه شهادت طلبی  
است. نمونه برجسته دیگر از ایثارگری ها  
و شهادت طلبی ها، دوران پرشکوه انقلاب  
اسلامی و دفاع مقدس مردم ایران است.  
امام خمینی (ره) با بیانات گویا و تدبیرهای  
به موقع، روحیه شهادت طلبی را در مردم ایران  
دمیدند و بر این اساس، تحولات عظیم و

پیشرفت های مستمر نصیب امت اسلامی شد. امام خمینی (ره) بر این  
عقیده بودند که ما بندگان خدا هستیم و در راه او حرکت و پیشروی  
می کنیم، اگر شهادت نصیب شد سعادت است و اگر پیروزی نصیب  
شد، سعادت است و ملتی که با فرهنگ شهادت طلبی آراسته شد،  
شکست ناپذیر است.

امام خمینی (ره) در ۱۶ شهریور سال ۱۳۵۹ در پیامی به مناسبت  
سالگرد فاجعه خونین ۱۷ شهریور، تأکید کردند که انس ملت با  
شهادت، خشتی کننده توطئه دشمنان است. ایشان بر شهادت طلبی  
مردم ارج نهاده و خطاب به ملت ایران فرمودند: ملت بزرگ ایران،  
روزهایی چون ۱۷ شهریور در نهضت خود داشت و بحمدالله با  
تمام مشکلات و تقدیم شهدای ارجمند به اسلام عزیز و کشور  
و با فداکاری های طاقت فرسا، از میدان جهاد سرفراز و پیروزمند  
بیرون آمد و آن کار، جهانیان را به خود جلب نمود. دشمنان ما  
گمان می کردند با توطئه های فرسایشی می توانند نهضت اسلامی  
و انقلاب شکوهمند این ملت شهیدپرور را به سردی و سستی  
سوق دهند، غافل از آن که قیامی که برای خدا است و نهضتی  
که براساس معنویت و عقیده است، عقب نشینی نخواهد کرد.  
ملت ما اکنون به شهادت و فداکاری خو گرفته است و از هیچ  
دشمنی و هیچ قدرتی و هیچ توطئه ای هراس ندارد. هراس آن دارد  
که شهادت، مکتب او نیست. ملتی که تازه عروس و تازه دامادش  
برای شهادت داوطلبند و خود را برای هر پیشامدی در راه خدا  
مهیأ کرده اند، از چه می ترسند؟ ملتی که شهادت برای او سعادت  
است، پیروز است. ملتی که خود و همه چیز خود را برای اسلام  
می خواهد، پیروزمند است.<sup>۵</sup>